

عنوان مقاله:

پدیدار وارونه خویشکاری طبقاتی در «اخلاق الاشراف» عبید زاکانی

محل انتشار:

فصلنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، دوره 2، شماره 1 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسندگان:

فاطمه ذوالفقاریان - دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

مرتضی منشادی - دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

خلاصه مقاله:

نظام دانایی و سامانه‌های معرفتی کلاسیک دوره میانه، ساختاری هرم‌گونه دارند؛ به این معنا که نخبگان یا اشراف، مسئولیت حفظ سلسله‌مراتب اجتماعی را بر عهده داشتند و تقسیم کار و گرفتن مناصب سیاسی به پایگاه طبقاتی ارتباط داشت. یکی از مبانی و سازوکارهای ایران و یونان باستان، برای حفظ و تداوم ساختار یکجانشینی، خویشکاری طبقاتی بود که در آن برای هر طبقه اجتماعی، اخلاق خاصی تعریف شده است. در جمهور افلاطون، عهد اردشیر، رساله‌های فارابی، فردوسی و عبید زاکانی بر خویشکاری طبقاتی تأکید شده است. در این مقاله با تمرکز بر رساله «اخلاق الاشراف» عبید زاکانی، به خویشکاری، سازوکار حفظ اخلاق طبقاتی و وارونگی آن برای نقد قدرت در زمان بحران زده حمله مغول می‌پردازد. برای پاسخ به پرسش چگونگی بازنمایی خویشکاری طبقاتی در اندیشه عبید زاکانی، از روش پدیدارشناسی استفاده می‌گردد و نشان خواهد داد که عبید زاکانی در سنت اندیشه سیاسی ایران سعی کرد خویشکاری طبقاتی پادشاه، کارگزاران و مردم عادی را همانند فارابی و فردوسی حفظ کند اما چون در حمله‌ها و تجاوزهای بیابان‌گردان امیدی به اصلاح مستقیم نمی‌بیند، با صنعت پنهان‌کاری و وارونگی در قالب طنز سعی در نقد قدرت و فرهنگ رایج زمان خویش دارد.

کلمات کلیدی:

عبید زاکانی، «اخلاق الاشراف»، طبقات، خویشکاری، وارونگی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1155522>

